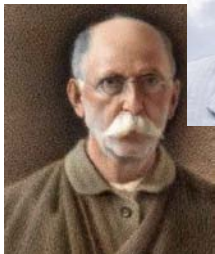
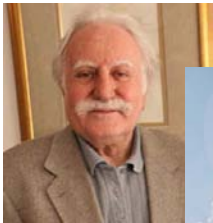
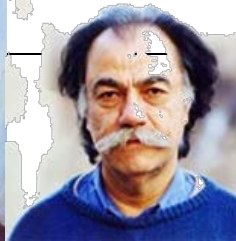
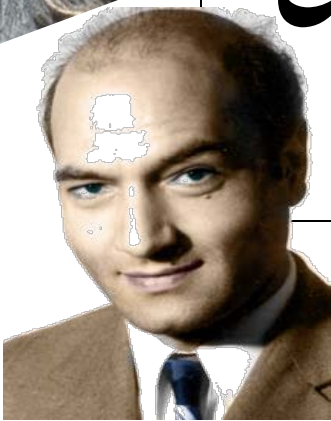


بزرگان علم، ادب و هنر ایران



برخی از برجسته ترین بزرگان علم ادب، هنر و فرهنگ ایران :

زندگی نامه رازی



وی محمد و نام پدرش زکریا و کنیه اش ابوبکر است. مورخان شرقی در کتاب هایشان او را محمد بن زکریای رازی خوانده اند. به گفته ابوریحان بیرونی وی در شعبان سال ۲۵۱ هجری (۸۶۵ میلادی) در ری زاده شد و دوران کودکی و نوجوانی و جوانی اش در این شهر گذشت. چنین شهرت دارد که در جوانی عود می نواخته و گاهی شعر می سروده است. بعدها به زرگری و سپس به کیمیاگری روی آورد. وی در سنین بالا علم طب را آموخت. بیرونی معتقد است

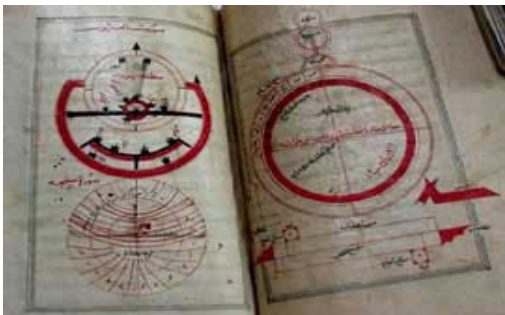
او در ابتدا به کیمیا اشتغال داشته و پس از آن که در این راه چشمش در اثر کار زیاد با مواد تند و تیزبو آسیب دید، برای درمان چشم به پزشکی روی آورد. [۳] در کتاب های مورخان اسلامی آمده است که رازی طب را در بیمارستان بغداد آموخته است، در آن زمان بغداد مرکز بزرگ علمی دوران و جانشین دانشگاه جندی شاپور بوده است و رازی برای آموختن علم به بغداد سفر کرد و مدتی نامعلوم در آنجا اقامت گزید و به تحصیل علم پرداخت و سپس ریاست بیمارستان «معتضدی» را برعهده گرفت. پس از مرگ معتضد خلیفه عباسی، به ری بازگشت و عهده دار ریاست بیمارستان ری شد و تا پایان عمر در این شهر به درمان بیماران مشغول بود. رازی در آخر عمرش نابینا شد، درباره علت نابینا شدن او روایت های مختلفی وجود دارد، بیرونی سبب کوری رازی را کار مداوم با مواد شیمیایی چون بخار جیوه می داند.

ابوریحان بیرونی



ابوریحان محمد بن احمد بیرونی (متولد ۱۴ شهریور ۳۵۲ شمسی، - درگذشته ۲۲ آذر ۴۲۷ شمسی غزنین)، دانشمند و ریاضی‌دان، ستاره‌شناس، تقویم‌شناس، انسان‌شناس، هندشناس، تاریخ‌نگار، گاه‌نگار، و طبیعی‌دان برجسته‌ی خوارزمی بود. بیرونی را بزرگ‌ترین دانشمند مسلمان و یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان فارسی‌زبان در همه‌ی اعصار می‌دانند. او را پدر انسان‌شناسی و هندشناسی می‌دانند. او به زبان‌های خوارزمی، فارسی، عربی، و سانسکریت مسلط بود و با زبان‌های یونانی باستان، عبری توراتی و سریانی آشنایی داشت. مهمترین آثار او **التنجیم** در ریاضیات و نجوم، آثار

الباقیه در تاریخ و جغرافیا، قانون مسعودی که نوعی دانشنامه‌است و کتاب تحقیق ماللهند درباره‌ی اوضاع این سرزمین از تاریخ و جغرافیا تا عادات و رسوم و طبقات اجتماعی آن. بیرونی کتاب دانشنامه خود را به نام سلطان مسعود غزنوی حاکم وقت کرد، ولی هدیه او را که سه بار شتر سکه نقره بود نپذیرفت و به او نوشت که کتاب را به خاطر خدمت به دانش و گسترش آن نوشته‌است، نه پول.



آثار دیگر وی : تحقیق ماللهند ، قانون مسعودی ، التفهیم
لاوایل صناعه ی التنجیم ، الجماهر فی معرفه ی الجواهر ،
الصیدنه ی فی الطب، آثار الباقیه عن القرون الخالیه (اثرهای مانده
از قرن‌های گذشته)، استیعاب الوجوه الممكنه ی فی صنعه ی
الاصطرلاب .

ترجمه‌های وی :

۱ - از هندی به فارسی : سیدهانتا، المواید الصغیر، کلب یاره.

۲ - از فارسی به هندی : شادبهر (حدیث قسیم السرور)، عین الحیات، داستان اورمزدیار و مهریار و

همچنین داستان سرخ‌بت و خنگ‌بت (حدیث صنمی البامیان) .

فارابی (۲۵۰ - ۳۲۸)



ابونصر محمد بن محمد بن طرخان، معروف به فارابی، در حدود سال ۲۵۷ هجری قمری در دهکده وسیج از ناحیه فاراب خراسان به دنیا آمد. وی در جوانی برای تحصیل به بغداد رفت و نزد متی بن یونس به فراگرفتن منطق و فلسفه پرداخت. سپس به حران سفر کرد و به شاگردی یوحنا بن حیلان درآمد. ابونصر در سال ۳۳۰ هجری قمری به دمشق رفت و به سیف الدوله حمدانی حاکم حلب پیوست و در زمره علمای دربار او درآمد. فارابی در سال ۳۳۸ هجری قمری در سن هشتاد سالگی در دمشق وفات یافت. مورخان اسلامی معتقدند که فارابی فردی زاهد پیشه و عزلت گزین و اهل تامل بود. اعراض او از امور دنیوی به حدی بود که با آن که سیف الدوله برایش از بیت‌المال حقوق بسیار تعیین کرده بود، به چهار درهم در روز قناعت می‌ورزید. فارابی در انواع علوم بی‌همتا بود. چنانکه درباره هر علمی از علوم زمان خویش، کتاب نوشت و از کتاب‌های وی، معلوم می‌شود که در علوم زبان و ریاضیات و کیمیا و هیات و علوم نظامی و موسیقی و طبیعیات و الهیات و علوم مدنی و فقه و منطق دارای مهارت بسیار بوده است. در سنت فلسفه اسلامی، فارابی را بعد از ارسطو که ملقب به معلم اول بود، معلم ثانی لقب داده اند.

آثار فارابی:

ما ینبغی ان تعلم قبل الفلسفه (آنچه شایسته است قبل از فلسفه فرا بگیری)

السیاسه المدنیه (سیاست شهری)

الجمع بین رأی الحکیمین افلاطون الالهی و ارسطو طالیس (جمع بین آراء دو حکیم

بزرگ، افلاطون الهی و ارسطو)

رساله فی ماهیه العقل (رساله ای درباره ماهیت و چیستی عقل)

تحصیل السعاده (به دست آوردن سعادت)

اجوبه عن مسائل فلسفیه (پاسخ هایی به مسائل فلسفی)

رساله فی اثبات المفارقات (رساله ای در اثبات وجود موجودات غیر مادی)

اغراض ارسطو طاليس فی کتاب مابعد الطبیعه (مقاصد ارسطو در کتاب متافیزیک)

رساله فی السیاسه (رساله ای در سیاست)

فصول الحکم (جداکننده های حکمت)

ابوعلی سینا



بو علی سینا حکیم، فیلسوف، طبیب و دانشمند بزرگ ایرانی که در جهان

غرب به نام (Avicenna) و با لقب "امیر پزشکان" شناخته شده است، در ماه

صفر از سال ۳۷۰ هجری قمری در شهر بخارا به دنیا آمد. این حکیم بزرگ که

بعدها موثرترین چهره در علم و فلسفه جهان اسلامی شد و القابی مانند شیخ

الرئیس، حجه الحق و شرف الملک به او دادند، از آغاز کودکی استعداد و

شایستگی عجیبی در فرا گرفتن علوم مختلف داشت. به سبب آشفتگی اوضاع

سیاسی در ماوراء النهر، زندگی بر ابن سینا در زادگاهش دشوار شد و او ناچار بخارا را به مقصد جرجانیه و

سپس گرگان را ترک کرد، و سالیان زیادی را به سفر پرداخت و به طبابت و نوشتن آثار گرانبهایی پرداخت. وی

به سال ۴۲۸ هجری قمری و در سن پنجاه و هفت سالگی درهمدان از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده

شد. حکایتی زیبا از در چهارمقله نظامی درباره ی درمان بیمار روانی از ابوعلی سینا است: زمانی که بوعلی

سینا در دربار ملکه سیده در ری به کار دیوانی می پرداخت، فعالیت های طبی و فلسفی خود را ادامه می داد.

فرزند ملکه سیده، حاکم ری، مبتلا به بیماری مالیخولیا شده بود. وی از ابن سینا درخواست کرد که برای

درمان فرزندش کاری بکند. بیمار، خیال می‌کرد که گاو شده و «همه روزه بانگ {می‌کرد} ... که مرا بکشید که از گوشت من {غذایی} نیکو {به‌دست} آید.» استاد لباس قصابان به تن کرد و با صدایی بلند گفت: «... بر در سرای بیمار آمد ... کاردی به دست گرفته گفت: این گاو کجاست تا او را بکشم؟ ... و گفت: «این چه گاو لاغری است! این را نشاید کشتن، علف دهیدش تا فربه شود. و برخاست و بیرون آمد گاو شنید و به امید فربه شدن غذاهای زیادی می‌خورد و یک ماه بعد درمان شد. تعداد **تالیفات ابن سینا**، اگر رساله‌های کوچک و نامه‌های وی را نیز به شمار بیاوریم، به ۲۵۰ عدد بالغ می‌شود و تقریباً مشتمل بر همه موضوعاتی است که در قرون وسطی می‌شناختند. البته تعدادی از بهترین کتب ابن سینا در حمله‌ای که به اصفهان شد، از بین رفت. بیشتر این آثار به زبان عربی نوشته شده و به ندرت در میان آن‌ها تالیف به زبان فارسی هم وجود دارد؛ مانند " دانشنامه علائی " که نخستین کتاب فلسفی نوشته شده به زبان فارسی است. مهمترین آثار وی شامل : کتاب **شفا ، نجات، اشارات و تنبیهات ، قانون (در طب).**

جمشید کاشانی

شید ملقب به غیاث الدین، فرزند پزشکی کاشانی به نام مسعود حدود سال ۷۹۰ قمری (۱۳۸۸ میلادی)، در کاشان چشم به جهان گشود. غیاث‌الدین جمشید کاشانی، زبردست‌ترین حساب‌دان و آخرین ریاضی‌دان برجسته‌ی دوره‌ی اسلامی و از بزرگ‌ترین مفاخر تاریخ ایران به شمار می‌آید. وی به تکمیل و تصحیح روش‌های قدیمی انجام چهار عمل اصلی حساب پرداخت و روش‌های جدید و ساده‌تری برای آن‌ها اختراع کرد. در واقع، کاشانی را باید مخترع روش‌های کنونی انجام چهار عمل اصلی حساب (به ویژه ضرب و تقسیم) دانست. کتاب ارزشمند وی با نام **مفتاح الحساب** کتابی درسی، درباره‌ی ریاضیات مقدماتی است و آن را از حیث فراوانی و تنوع مواد و مطالب و روانی بیان سرآمد همهی آثار ریاضی سده‌های میانه می‌دانند. او در همه‌ی آثارش خود را چنین معرفی کرده است : «کمترین بندگان خداوند (یا نیازمندترین بندگان خدا به رحمت او)، جمشید، پسر مسعود طیب کاشانی، پسر محمود پسر محمد.»



فعالیت های علمی وی عبارتند از:

۱. اختراع کسرهای دهگانی (اعشاری).
 ۲. دسته‌بندی معادلات درجه‌ی اول تا چهارم و حل عددی معادلات درجه‌ی چهارم و بالاتر.
 ۳. محاسبه‌ی عدد p .
 ۴. تکمیل و تصحیح روش‌های قدیمی انجام چهار عمل اصلی و اختراع روش‌های جدیدی برای آن‌ها.
 ۵. اختراع روش کنونی پیدا کردن ریشه‌ی n ام عدد دلخواه..
 ۶. اختراع روش کنونی پیدا کردن جذر (ریشه‌ی دوم) که در اصل ساده شده‌ی روش پیدا کردن ریشه‌ی n ام است.
 ۷. ساخت یک ابزار رصدی
 ۹. کتاب مفتاح الحساب کاشانی مهم‌ترین و مفصل‌ترین اثر درباره‌ی ریاضیات عملی و حساب در دوره‌ی اسلامی است.
 ۱۰. محاسبه‌ی جیب یک درجه. کاشانی در رساله‌ی وَتَر و جیب مقداری برای جیب یک درجه ($\sin 60^\circ$) به دست آورده که اگر آن را بر ۶۰ تقسیم کنیم، حاصل آن تا ۱۷ رقم اعشاری با مقدار واقعی سینوس یک درجه موافق است.
- آثار او عبارتند از:
۱. سَلْمُ السَّمَاء (نردبان آسمان) یا رساله‌ی کمالیه به عربی. ۲. مختصر در علم هیأت به فارسی. ۳. زیج خاقانی به فارسی. ۴. شرح آلات رَصد به فارسی. ۵. نَزْهَةُ الْحَدَائِقِ به عربی. ۶. ذِیلِ نَزْهَةِ الْحَدَائِقِ. ۷. تَلْخِیصُ الْمِفْتَاحِ به عربی. ۸. الرِّسَالَةُ الْمُحِیطِیَّةُ به عربی. ۹. وَتَر و جیب. ۱۰. زیج تَسْهِیلات.

شیخ بهایی



بهاءالدین محمد بن عزالدین حارثی همدانی عاملی جبعی (جباعی) معروف به شیخ بهائی در سال ۹۵۳ ه. ق ۱۵۴۶ میلادی در بعلبک متولد شد. او در جبل عامل در ناحیه شام و سوریه در روستایی به نام "جبیع" یا "جباع" می‌زیست. ۱۰ ساله بود که پدرش عزالدین حسین عاملی از بزرگان علمای شام بسوی ایران رهسپار شد و

چون به قزوین رسیدند و آن شهر را مرکز دانشمندان شیعه یافتند، در آن سکنی گزیدند. بهاءالدین به شاگردی پدر و دیگر دانشمندان آن عصر مشغول شد. بهاءالدین نه تنها عالم دینی و مردی متکلم بود بلکه ریاضیدان، مهندس، معمار و کیمیادان بود از علوم غریبه نیز آگاهی داشت. تحصیل علوم ریاضی را از نو زنده کرد و رساله‌هایی در ریاضیات و نجوم نوشت که آنها را از تلخیص آثار گذشتگان فراهم آورده بود. کتاب‌های خلاصه ی الحساب در ریاضی و تشریح الافلاک در نجوم از اوست. بهائی آثار برجسته‌ای به نثر و نظم پدید آورده است. یکی از نمونه کارهای بهایی نخست تقسیم آب زاینده رود به محلات اصفهان و روستاهای مجاور رودخانه است که معروف است هیئتی در آن زمان از جانب شاه عباس به ریاست شیخ بهائی مأمور شد و ترتیب بسیار دقیق و درستی برای حق آب هر ده و آبادی و محله و بردن آب و ساختن مادی‌ها داد که هنوز به همان ترتیب معمول است و اصل طومار آن در اصفهان موجود است. یکی دیگر از کارهای شگفت که به بهائی نسبت می‌دهند، ساختمان گلخن گرمابه‌ای است که هنوز در اصفهان مانده و به حمام شیخ بهائی یا حمام شیخ معروف است. این حمام در میان مسجد جامع و هارونیه در بازار کهنه نزدیک بقعه معروف به درب امام واقع شده و مردم اصفهان از دیر باز همواره عقیده داشتند که گلخن آن گرمابه را بهائی چنان ساخته که با شمعی گرم



می‌شد. در زیر پاتیل گلخن فضای خالی تعبیه کرده و شمعی روشن زیر آن گذاشته و آن فضا را بسته بود و شمع تا مدت‌های مدید همچنان می‌سوخت و آب حمام به این وسیله گرم می‌شد. او خود گفته بود که اگر روزی آن فضا را بشکافند، شمع خاموش می‌شود و گلخن از کار می‌افتد. می‌گویند باستان‌شناسان خارجی برای فهمیدن روش کار این گرمابه دیوار آن را شکافتند و شمع از کار افتاد. باستان‌شناسان امروزی معتقدند که دلیل گرم

شدن گرمابه با یک شمع کانالی بود که شیخ بهایی در بالای شمع تعبیه کرده بود. این کانال در حقیقت لوله تهویه فاضلاب حمام بود که گازهای آن بر اثر شعله شمع شعله‌ور می‌شد و آب را گرم می‌کرد. همچنین طراحی منار جنبان اصفهان که هم اکنون نیز پا برجاست به او نسبت داده می‌شود.

تالیفات و آثار شیخ بهایی

بهاءالدین عاملی در علمی که در آن زمان مرسوم بود، بویژه در اخبار و احادیث، تفسیر، اصول فقه و ریاضیات دارای تالیفات بسیار است. تالیفات شیخ بهایی بر اساس پژوهش یکی از محققان بالغ بر ۹۵ کتاب و رساله است. برخی از نویسندگان نیز آثار او را ۱۲۰ عنوان ذکر کرده اند. در این جا برخی از آثار علمی شیخ بهایی را بررسی می‌کنیم:

کشکول، جامع عباسی، الزبده فی الاصول، اربعین.

ازمثنویات معروف شیخ بهائی در زبان فارسی: نان و حلوا یا سوانح سفر الحجاز، نان و پنیر، شیر و شکر.

ملا صدرا



محمد بن ابراهیم قوامی شیرازی ملقب به صدر المتالهین یا ملاصدرا در ظهر روز نهم جمادی الاولی سال ۹۸۰ قمری دیده به جهان گشود. پدر او خواجه ابراهیم قوامی مردی پرهیزگار دیندار و دوستدار و حامی دانش و معرفت بود. در زمان حیات ملاصدرا، شیراز دارای حکومت مستقلی بود و حکمرانی آن به برادر شاه واگذار گردید که، پدر ملاصدرا بعنوان معاون او و

دومین شخصیت مهم آن منطقه به شمار می‌رفت. در دوران جوانی، صدرالمتالهین جوان با شیخ بهایی آشنا گردید که سنگ بنای شخصیت علمی و اخلاقی ملاصدرا توسط این دانشمند جهان‌دیده کم نظیر بنا نهاده شد. صدرالدین محمد در علوم متعارف زمان و بویژه در فلسفه اشراق و مکتب مشاء و کلام و عرفان و تفسیر قرآن مهارت یافت.

او آثار فلسفی متفکرانی چون سقراط و فلاسفه هم عصر او، افلاطون، ارسطو و شاگردانش و همچنین دانشمندانی چون ابن سینا و خواجه نصرالدین طوسی را دقیقاً بررسی کرد و موارد ضعف آن‌ها را باز شناخت و مسایل مبهم مکاتب را بخوبی دانست.

او اگر چه از مکتب اشراق بهره‌ها برد ولی هرگز تسلیم عقاید آنان نشد و گرچه شاگرد مکتب مشاگردید لیکن هرگز مقید به این روش نشد.

ملا صدرا پایه‌گذار حکمت متعالیه است که حاوی ژرف‌ترین پاسخ‌ها به مسائل فلسفی است.

مهمترین آثار ملاصدرا عبارتند از:

- الحکمه العرشیه

- الحکمه المتعالیه فی الاسفار العظیمه الاربعه

- المعه المشرقیه فی الفنون المنطقیه

- المبدأ و المعاد- المشاعر

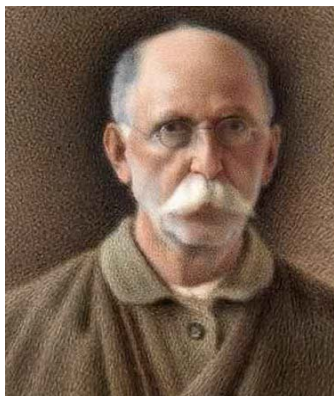
- حدود العالم اکسیر العارفین فی المعارفه طریق الحق و الیقین

- اعجاز النعمین کسر الاصنام الاجاهلیه فی ذم المتصوفین

- مفاتیح الغیب

حکیم و ارسته در طول عمر ۷۱ ساله اش هفت بار با پای پیاده به حج مشرف شد، و در آخر هنگام آغاز سفر هفتم یا در ازگشت از آن سفر به سال ۱۰۵۰ ه. ق در شهر بصره تن رنجور را وداع نمود و در جوار حق قرار گرفت، و در همانجا به خاک سپرده شد.

کمال الملک



محمد غفاری ملقب به کمال الملک نقاش ایرانی در سال ۱۲۲۴ در کاشان و در خانواده ای سرشناس و هنرمند به دنیا آمد. او یکی از مشهورترین و پر نفوذترین شخصیت های تاریخ هنر معاصر ایران به شمار می آید. او برادرزاده صنیع الملک است. وی در یکی از خانواده های هنرمند و سرشناس در کاشان چشم به جهان گشود. غفاری پس از گذراندن

تحصیلات ابتدایی در کاشان به همراه برادر بزرگترش به تهران آمد و در دارالفنون در رشته ی نقاشی ادامه تحصیل داد. پس از گذشت سه سال تحصیل وی در دارالفنون، هنگامی که ناصرالدین شاه از این مدرسه بازدید



می کرد، کار او را پسندید و وی را به دربار فراخواند. کمال الملک پس از حضور در تهران، به همراه برادر بزرگترش در مدرسه دارالفنون در رشته ی نقاشی مشغول به تحصیل شد، هر دو برادر در مدت سه سال تحصیل خود توانستند موفقیت های بسیاری را کسب

کنند. در پایان سال سوم، ناصرالدین شاه در حین بازدید از مدرسه دارالفنون با دیدن تابلویی که از چهره اعتضاد السلطنه، رئیس وقت مدرسه دارالفنون که توسط محمد غفاری کشیده شده بود، تحت تاثیر قرار گرفت و دستور داد تا او را به عنوان نقاش به استخدام دربار در آورند. با حضور در دربار، ابتدا لقب خان، سپس پیشخدمت مخصوص به وی اهدا شد و پس از چندی ناصرالدین شاه، تحت تاثیر آثار او قرار گرفت و سبب گردید تا ناصرالدین شاه خود به شاگردی وی در آید و او را در ابتدا به لقب نقاش باشی و سپس به لقب کمال الملک منصوب کند. در مدت حضور وی در دربار، او ۱۷۰ تابلو کشید که معروف ترین آن ها تالار آینه می باشد و اولین تابلوییست که آن را کمال الملک امضا کرده است.

استاد برای آشنائی بیشتر سفری به اروپا داشت و در موزه های معروف لوور، ورسای، و رم خوشه های معرفت از خرمن آثار روبنس، رامبراند، واندیک، داوینچی، رافائل و دیگر اساتید جهان جمع آوری کرد. او پس از مراجعت به ایران هنرستانی به نام مدرسه صنایع مستظرفه تاسیس نمود و به پرورش استعداد های پراکنده

هموطنانش پرداخت. در سال ۱۳۰۰ شمسی حسودان و معاندین کوتاه فکر حوادث و جریناتی برای استاد برپا کردند که روح حساس و زودرنج او را متاثر کرد و بنا به عللی دیگر ۶ سال بعد رسماً از مقام ریاست هنرستان استعفا کرد و یک سال بعد او را به ملک شخصی که در حوالی نیشابور داشت تبعید کردند. سرانجام میرزا محمد خان غفاری کاشانی ملقب به کمال الملک در یکشنبه ۲۷ مرداد سال ۱۳۱۹ درگذشت و در کنار مقبره شیخ عطار سر به خاک ابدیت گذارد.

دکتر علی شریعتی



دکتر علی شریعتی، در دوم آذرماه سال ۱۳۱۲ در کلاهدک مزینان، از توابع شهرستان سبزوار چشم به جهان گشود. درش با ارادت خاصی که به پیشوای بزرگ شیعیان و ابرمرد دنیای اسلام داشت، او را "علی" نام نهاد. علی شریعتی دوران کودکی را پشت سر گذاشت و راهی دبستان شد. وی شش سال بعد، به دبیرستان فردوسی رفت و سپس دانشسرای مقدماتی را در مشهد به پایان برد. علی شریعتی با پایان کار دانشسرا به آموزگاری پرداخت و به کلاس درس قدم گذارد. علی شریعتی در سال ۱۳۳۴ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشکده مشهد وارد گشت ورشته ادبیات فارسی را برگزید. سال ۱۳۳۵ سالی است که با آن مرحله خاصی در زندگی علی شریعتی آغاز می شود. در این سال علی همسری برمی گزیند و با یکی از همکلاسان خود بنام، پوران شریعت رضوی ازدواج می کند. زندگی علمی و مبارزات سیاسی وی منجر به این شد که بارها به زندان رفت و بالاخره در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶، در انگلستان به شکل مشکوکی درگذشت. ۳۵ اثر از این اندیشمند بجای مانده است.

مهمترین آثار علی شریعتی: ابوذر، بازگشت، فاطمه، فاطمه است، تحلیلی از مناسک حج، شیعه، تشیع علوی و تشیع صفوی، هبوط در کویر، حسین وارث آدم، زن، علی حقیقتی بر گونه اساطیر، میعاد با ابراهیم، بازشناسی هویت ایرانی اسلامی، روش شناخت اسلام، اسلام شناسی.

دکتر محمود حسابی



محمود حسابی در سال ۱۲۸۱ شمسی در تهران به دنیا آمد وی ۴ ساله بود که پدرش معزالسلطنه سفیر ایران در لبنان شد و به بیروت رفتند. محمود از مادرش نی زدن را یاد گرفت و به کمک او قرآن و دیوان حافظ را حفظ کرد و گلستان و بوستان، شاهنامه، مثنوی مولوی و امثالهم را نیز آموخت. در سن ۱۷ سالگی لیسانس ادبیات عرب، در ۱۹ سالگی لیسانس بیولوژی و بعد از آن مدرک مهندسی راه و ساختمان گرفت تا از این راه به اقتصاد خانواده کمک کند. همزمان با شغل نقشه کشی در رشته‌های پزشکی، ریاضیات و ستاره‌شناسی از دانشگاه آمریکایی بیروت فارغ‌التحصیل شد. شرکت راهسازی کارفرمایش او را برای ادامه تحصیل به فرانسه فرستاد و او از دانشکده‌ی برق پاریس مدرک گرفت. همزمان با تحصیل در رشته‌ی معدن در مدرسه‌ی عالی معدن پاریس در راه آهن برقی فرانسه مشغول به کار شد و سرانجام به رشته‌ی فیزیک دانشگاه سوربن فرانسه رفت. در ۲۵ سالگی دانشنامه دکترای فیزیک خود را به خاطر رساله‌ی حساسیت سلول‌های فتوالکتریک با درجه‌ی ممتاز گرفت، و دو نشان از عالی‌ترین نشان‌های علمی فرانسه را دریافت کرد. وقتی که دکتر حسابی نظریه‌ی بی‌نهایت بودن ذرات را ارائه کرد، دانشمندان فرانسوی از درک آن عاجز ماندند و به او گفتند به محضر اینشتاین بروید. او برای شاگردی اینشتاین به همراه پنج هزار نفر دیگر در امتحانی شرکت کرد و جزء پنج نفر اول قرار گرفت. پس از مدتی او در کرسی اینشتاین شروع به تدریس کرد. و بعد از آن به ایران بازگشت. در سال ۱۹۹۲ عنوان مرد سال علمی جهان را از آن خود کرد. سرانجام در سال ۱۳۷۱ درگذشت.

فرشچیان



استاد محمود فرشچیان در سال ۱۳۰۸ در شهر هنرپرور اصفهان دیده به جهان گشود. پدرش که مردی هنردوست بود با توجه به اشتیاق فرزند به هنر نقاشی او را به کارگاه استاد حاج میرزا آقا امامی رهنمون کرد. وی سپس در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان از استاد «عیسی بهادری» تعلیم گرفت. پس از

پایان این دوره به اروپا رفت و چند سالی در آنجا به مطالعه و بررسی آثار نقاشان برجسته غرب همت گماشت و در نتیجه همین مطالعات بود که به رهیافتی تازه از هنر نقاشان با معیارهای جهانی رسید. استاد فرشچیان در حیطه نقاشی ایرانی به وجود آورنده سبک و مکتب خاصی است که در عین توجه به اصالت مبانی سنتی این هنر، با ابداع شیوه‌های نو، قابلیت و کارایی نقاشی ایرانی را افزایش داده است. او این هنر را غنا بخشید و از حالت الزامی یک پدیده متکی به شعر و ادبیات رها ساخت و رسالت و ارزشی در حد سایر هنرها در نقاشی ایرانی پدید آورد. نقاشی‌های استاد آمیزه دلپذیری از اصالت و نوآوری است. وی با خطوط روان و ترکیب‌بندی‌های ظریف و مدور، راز و رمزها و اشارات درونی نهفته را در آثار خود به وجود می‌آورد. در همین حال با نوآوری در گزینش موضوع و پرداخت اثر به گستره‌ای فراتر از قالب‌های مرسوم می‌رسد. رنگ‌های تابناک و مواجی که در آثار استاد دیده می‌شود، آیتی است از ابتکار که افسانه‌ای به نظر می‌رسد. آثار استاد فرشچیان در بیش از صدها نمایشگاه فردی و جمعی در ایران و سایر کشورها برپا گشته و با استقبال بسیار زیادی روبه‌رو شده است. برگزاری نمایشگاه‌های پی‌درپی معرفت شهرت ایشان در پهنه جهانی است؛ به گونه‌ای که موزه‌ها و کتابخانه‌ها و مجموعه‌داران شخصی و عاشقان هنر به داشتن قطعه‌ای از آثار او مباحثات می‌کنند. و در جشنواره‌های مختلف ایران و جهان جایزه‌های ارزشمندی را کسب نموده است.



تابلو عصر عاشورا اثر استاد فرشچیان

فضل الله اکبری (پدر حسابداری ایران)



فضل الله اکبری در دوم اردیبهشت سال ۱۳۰۰ هجری شمسی برابر با سوم ماه رمضان المبارک سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در شهر گلپایگان چشم به جهان گشود. وی حساب، ریاضی، حساب سیاق نقدی و جنسی را نزد پدربزرگ و پدر فرا گرفت. دکتر فضل الله اکبری بعد از دریافت دیپلم متوسطه، در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و از این دانشکده لیسانس گرفت، و در اوایل دهه ۱۳۳۰ در موسسه علوم اداری و بازرگانی دانشکده حقوق دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و فوق لیسانس علوم اداری و بازرگانی دریافت داشت. به دنبال آن با استفاده از بورس تحصیلی به امریکا رفت و در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی و دانشگاه استانفورد به تحصیل پرداخت و در رشته مدیریت بازرگانی با گرایش حسابداری دکترا دریافت کرد. بعد از اخذ مدرک دکترا به ایران مراجعت کرد و در موسسه علوم اداری به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۳۷ به عنوان اولین مدرس حسابداری با درجه دانشیاری به عضویت هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شد.

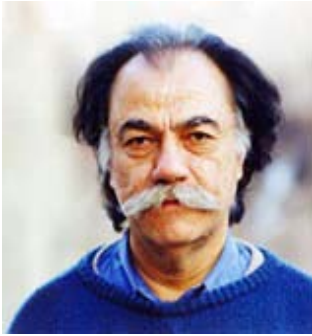
وی در خصوص چگونگی بنیان گذاری این رشته در ایران می گوید: « در سال ۱۳۳۴ که داوطلب تدریس حسابداری در دانشگاه شدم، یکی از اولیای دانشگاه گفت شک دارد جایگاه تدریس حسابداری در دانشگاه باشد، و اضافه کرد در گذشته هم حسابداری در سال ششم رشته تجارت دبیرستان ها تدریس می شده است و اگر حسابداری را رشته ای دانشگاهی بشناسیم بزودی داوطلبانی هم برای تدریس خانه داری، گله داری و باغداری پیدا می شوند؛ دانشگاه را تدریس حساب کافی است. دو، سه سالی طول کشید تا با مراجعات مکرر و مستمر، ارائه شرح دروس حسابداری و رشته های مختلف آن، اهمیت و فرق آن را با حساب و ریاضی توجیه کنم و توضیح دهم. بالاخره قرار شد در دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران برای انتخاب و استخدام یک نفر دانشیار اقدام کنند. و ... » دکتر فضل الله اکبری پس از تاسیس دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران، به مدت ۸ سال رئیس این دانشکده بود. پس از سال ۱۳۵۰، به سمت معاون آموزشی و پژوهشی وزارت علوم و آموزش عالی برگزیده شد و همزمان به تدریس رشته حسابداری در

دانشگاه ها و موسسات مختلف آموزش عالی به ویژه بانک ملی ایران، اشتغال داشت. در این دوره با شرکت اطلاعات اعتباری که به وسیله بانک مرکزی تاسیس شده بود، نیز همکاری داشت. بعد از انقلاب در اوایل سال ۱۳۵۸ در سمت استادی دانشگاه بازنشسته شد اما تا پایان سال تحصیلی ۱۳۵۸-۱۳۵۷ همچنان به تدریس ادامه داد. از اوایل دهه ۱۳۶۰ سازمان حسابرسی این افتخار را یافت تا از همکاری ایشان با مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی این سازمان برخوردار شود. کتاب و مقالات مختلفی که در این دوران توسط ایشان تألیف و تدوین، و توسط سازمان حسابرسی منتشر شده است حاصل این دوران پربار است. سرانجام وی، در ۱۳ فروردین ۱۳۸۴ جان به جان آفرین تسلیم کرد و در قطعه ۲۲۹ بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

برخی از آثار وی :

- حسابداری صنعتی، دانشگاه تهران، با تجدید چاپ به دفعات و توسط ناشران دیگر، ۱۳۳۸
- اصول حسابداری، دانشگاه تهران، با تجدید چاپ به دفعات، ۱۳۴۰
- تجزیه و تحلیل صورتهای مالی، سازمان حسابرسی، با پنج بار تجدید چاپ و تجدیدنظر، ۱۳۶۶
- حسابداری بازرگانی، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی، ۱۳۵۴
- تهیه بودجه بازرگانی و صنعتی، انتشارات فروردین، ۱۳۶۵
- حسابداری استهلاک، سازمان حسابرسی، اولین چاپ ۱۳۷۱، چاپ هفتم، ۱۳۸۰
- فرهنگ اصطلاحات حسابداری (انگلیسی- فارسی)، سازمان حسابرسی، جلد اول، ۱۳۷۶
- بررسی تحلیلی یا استفاده از تجزیه و تحلیل صورتهای مالی در حسابرسی، سازمان حسابرسی، ۱۳۷۹

مرتضی ممیز (پدر گرافیک ایران)



مرتضی ممیز چهار شهریور سال ۱۳۱۵ در تهران به دنیا آمد وی در سال ۱۳۴۴ از دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و ۳ سال بعد گواهینامه طراحی غرفه و ویتترین و معماری خود را از مدرسه عالی هنرهای تزئینی پاریس دریافت کرد. دوره اخذ لیسانس ممیز ۱۱ سال به طول انجامید و وی در این دوره به کارهای مختلفی از جمله کار در آتلیه گرافیکی

مشغول بود. ممیز در سال ۱۳۴۸ پیشنهاد ایجاد رشته گرافیک را به دانشکده هنرهای زیبا ارائه داد. بنیان‌گذاری این رشته برای دانشجویان هنر باعث شد تا سیستم ناقص گرافیک جان بگیرد و تلاشی را آغاز کند. تا این سال ممیز به غیر از طراحی گرافیک برای کتاب‌ها و پوسترها، تلاشی را تحت عنوان مدیر هنری در مجلاتی چون ایران آباد، کتاب هفته، کیهان هفته، فرهنگ، کاوش، نگین آغاز کرد. مرتضی ممیز در طول نیم قرن فعالیت هنری خود در ایران و عرصه هنر بین‌المللی، در احیا و ابداع هنر گرافیک در ایران و پیش‌برد و گسترش فرهنگ ملی و سنت‌های هنری نقش بارزی داشت و به این سبب او را «پدر هنر گرافیک ایران» می‌نامند. ممیز در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۵۲ طراحی و کارگردانی سه فیلم انیمیشن برای جشنواره فیلم‌های کودکان کانون پرورش فکری تهران را در پرونده کاری خود داشته است. وی در طول فعالیت‌های هنری خود بیش از ۱۰ نمایشگاه اختصاصی از ۱۳۳۹ تا ۱۳۷۷ در تهران و ۲ نمایشگاه اختصاصی در آلمان و بیش از ۷۴ نمایشگاه گروهی در ایران، آلمان، فرانسه، آمریکا، بلژیک، فنلاند و یوگسلاوی برپا کرد و طراحی گرافیکی و تهیه پوستر برای صدها جلد کتاب و نشریات مختلف توسط او انجام گرفت. در سال ۱۳۷۵ در آستانه ۶۰ سالگی دوستان وی در نگارخانه لاله تهران به پاس ۴۰ سال کار حرفه‌ای، نمایشگاهی از تصویرسازی‌های او را در معرض دید عموم قرار دادند. او در سال‌های پایانی عمر خویش با بیماری سرطان دست و پنجه نرم می‌کرد، و سرانجام در ۵ آذر سال ۱۳۸۴ در سن ۶۹ سالگی درگذشت.

برخی کتاب‌های وی :

➤ طراحی، نقاشی در سه جلد (۱۳۵۱)

- طراحی تزئینی (۱۳۵۴)
- نشانه‌ها (نمونه کارهای شخصی) (۱۳۶۲)
- طراحی اعلان (۱۹۸۴)
- تصویر و تصور (۱۳۶۸)
- طراحی روی جلد (۱۳۶۸)
- طراحی روی جلد (مجموعه آثار) (۱۳۸۲)
- نیم قرن کار (مجموعه آثار) (۱۳۸۳)
- تصویر سازی های عالی در کتاب های مختلف



مسعود علیمحمدی (اولین دکترای فیزیک ایران)

مسعود علیمحمدی ۳ شهریور ۱۳۳۸ در تهران دیده به جهان هستی گشود. پس از طی دوره‌های مقدماتی تحصیلی با بالاترین رتبه‌ها وارد دانشگاه شیراز شد و مدرک کارشناسی خود در رشته فیزیک را از این دانشگاه در سال ۱۳۶۴ دریافت کرد. پس از آن برای طی دوره‌های تکمیلی به مهم‌ترین دانشگاه صنعتی کشور راه یافت و درمقاطع کارشناسی ارشد (۱۳۶۷) و دکترای فیزیک با گرایش ذرات بنیادی از دانشگاه صنعتی شریف فارغ‌التحصیل شد. او از نخستین دانشجویان دوره دکترای فیزیک در داخل ایران بود و نخستین شخصی است که در ایران دکترای خود را در فیزیک دریافت کرده است. او ده‌ها مقاله *ISI* منتشر کرد و همچنین از نخستین دانشجویان پسا دکتوری در پژوهشگاه دانش‌های بنیادی بود. وی خرداد ماه سال ۸۷ به عنوان یکی از دو نماینده ایران در پروژه سزامی (مرکز تابش سینکروترون برای تحقیقات و علوم کاربردی در خاورمیانه) منصوب شده بود. تخصص اصلی او ذرات بنیادی، انرژی‌های بالا و کیهان‌شناسی بوده است. با پژوهشگاه دانش‌های بنیادی (مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات) نیز طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ همکاری داشت. علیمحمدی، یکی از برگزیدگان جشنواره بین‌المللی خوارزمی در سال ۸۶ بود و در پژوهش‌های بنیادی رتبه دوم را کسب کرد. وی از سال

۱۳۷۴ در دانشکده فیزیک دانشگاه تهران مشغول به تدریس بود و عضو هیأت علمی این دانشگاه بود. وی در مقاطع مختلف تحصیلی شاخه فیزیک در تربیت معلم و همچنین به عنوان استاد راهنما و مشاور در پروژه‌های پایان‌نامه‌های مرتبط با علوم فیزیکی، به فعالیت مشغول بوده است. دکتر علی‌محمدی در ساعت ۷:۳۰ صبح ۲۲ دی ۱۳۸۸ هنگام خروج از منزل در اثر انفجار بمبی که در یک موتورسیکلت در کنار در منزلش جاسازی شده بود به شهادت رسید.

محمد کریم پیرنیا (پدر معماری سنتی ایران)



استاد «محمد کریم پیرنیا» در بیست و پنجم شهریورماه سال ۱۲۹۹ در یک خانواده اصیل یزدی به دنیا آمد. پدر استاد، میرزا صادق خان نائینی از طبیبان حاذق و شیمیدانان نامی و از خوشنویسان و هنرمندان چیره‌دست نائین و یکی از قرآن‌نویس‌های مشهور ایران بود که یک مدت در نائین و برای مدتی هم در سوئیس درس خوانده بود. استاد در دوران کودکی، پیش از این که به مکتب‌خانه برود پیش پدرش درس می‌خواند و مادرش هم به او قرآن یاد می‌داد و از همین‌رو، بدون رفتن به مکتب‌خانه، راهی دبستان اسلام یزد می‌شود. در سال ۱۳۱۶ دوران دبیرستان را در دبیرستان ایرانشهر آغاز به کار کرد و در رشته علمی موفق به دریافت مدرک متوسطه (دیپلم) شد.

نخستین کار رسمی استاد پیرنیا از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۴ در وزارت فرهنگ، با ساخت بیش از ۳۰۰ مدرسه ارزان قیمت در تهران و شهرستان‌ها، از محل پنج درصد درآمد شهرداری آغاز شد که با این کار طرحی نو در نظام مدرسه‌سازی ایران ایجاد شد. طرح این مدارس بعدها از طرف یونسکو به عنوان نمونه مدارس ارزان قیمت، برای کشورهای جهان سوم معرفی شد. استاد در سال ۱۳۴۴ به علت علاقه‌ای که به هنر داشت، به وزارت فرهنگ و هنر رفت و در آنجا معاونت اداره کل بناهای تاریخی را عهده‌دار گردید و پس از تشکیل سازمان ملی حفاظت آثار باستانی به عنوان معاون فنی تا سال ۱۳۶۵ مشغول به کار شد. احیای مسجد کبود، احیای سردر باغ فین، تعمیر مسجد جامع ورامین، مرمت سردر شاه عبدالعظیم، احیای باغ دولت‌آباد یزد، بازسازی مسجد فهرج و ایوان سید رکن‌الدین در یزد از فعالیت‌های پیرنیا در زمینه احیا و مرمت آثار ارزشمند معماری ایران

است. از آن مقام عضویت افتخاری فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران نصیب او شد و به پاس خدمات ارزنده و ماندگار استاد در طول شصت سال زندگی علمی، هنری و تلاش در راه بازشناسی جلوه‌های اصیل هنر معماری ایران و آشنایی نسل نو با توانایی‌های هنرمندان ایرانی در طول تاریخ و خدمات بی‌ریا و خالصانه به جامعه معماری ایران، از سوی دانشگاه تهران موفق به دریافت دکترای افتخاری رشته معماری شد.

در سال‌های پایانی عمر ضعف و سستی بی‌اندازه برایشان چیره شده بود، محمد کریم پیرنیا از این دوران چنین یاد می‌کند: بعد از بازنشسته شدن تجربیات و تحقیقات چندین ساله ام را خواستم روی کاغذ بیاورم، ولی متأسفانه به علت لرزش دست و بعد هم از کار افتادن آن، میسر نشد. اما تعدادی زیادی از نوارهای صحبت‌های بنده در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و فارابی و «میراث فرهنگی» موجود است که دوستان زحمت پیاده کردن آن‌ها را کشیده‌اند. وی در سال ۱۳۷۶ دارفانی را وداع گفت. محمدکریم پیرنیا کتب و مقالات بسیار در مورد سبک‌شناسی و معماری اصیل و سنتی ایرانی تالیف کرده است و بدین دلیل او را پدر معماری سنتی ایران می‌دانند.

پوران درخشنده



پوران درخشنده در ۷ فروردین ماه سال ۱۳۳۰ در شهر کرمانشاه به دنیا آمد، او تحصیل تکمیلی خود را در مدرسه عالی تلویزیون و سینما گذراند و در سال ۱۳۵۴ در سازمان صدا و سیما شروع بکار کرد و در همان زمان فیلم طاعون که درباره طاعون در کردستان به سال ۱۳۲۸ است را تهیه کرد. سال بعد نیز

۱۳۵۵ درباره چهارشنبه سوری و نیز فیلمی درباره مراسم سنتی نواحی مختلف ایران موسیقی نواحی ایران را سال ۱۳۵۶ تولید کرد. موج، جانماز، سجاده، تحقیقی درباره زنان، اشتغال و صنایع دستی در کردستان در سال ۱۳۵۷ فیلم‌های مستند «چشمه‌های آب معدنی راه هراز»، به تصویر کشید و همان سال مستندهای سه گانه صنایع دستی را در کردستان تولید کرد. «موج، سجاده، جانماز»، «نازک کاری»، «گلیم». ایاف طبیعی و مصنوعی

(۴ قسمت) مستندی تحقیقی درباره نخ، ابریشم و پشم و الیاف مصنوعی را ساخت. سال ۵۹-۱۳۵۸ فیلم مستند «چرخ ها می چرخند» را تولید نمود که نگاهی به مسایل رکود اقتصادی و تعطیلی کارخانه‌ها بخصوص ایران ناسیونال (ایران خودرو فعلی) را به تصویر کشاند. «شوکران» ۱۷ قسمت که از سال ۱۳۶۹ تا ۷۱ طول کشید مستندی است درباره پدیده اعتیاد در زنان ، مردان و کودکان در ایران و مسئله قاچاق مواد مخدر و راه های پیشگیری آن که ۳ قسمت از آن بیشتر پخش نشد. پوران درخشنده عضو انجمن‌های فیلمسازان زن آمریکا (WIF)، کارگردانان مستقل آمریکا (IFP) و مرکز بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوانان یونسکو (CIFEJ) نیز هست. برخی از فیلم های وی :

۱. هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند (۱۳۹۱)

۲. خواب های دنباله دار(۱۳۸۸)

۳. بچه‌های ابدی (۱۳۸۵)

۴. رویای خیس (۱۳۸۴)

۵. شمعی در باد (۱۳۸۲)

۶. عشق بدون مرز (۱۳۷۷)

۷. زمان از دست رفته (۱۳۶۸)

۸. عبور از غبار (۱۳۶۸)

۹. پرنده کوچک خوشبختی (۱۳۶۶)

۱۰. رابطه (۱۳۶۵)

برخی از برجسته ترین بزرگان عرصه ادبیات ایران :

حافظ شیرازی



خواجه شمس‌الدین محمد شیرازی متخلص به “حافظ”، غزلسرای بزرگ و از خداوندان شعر و ادب پارسی است. وی حدود سال ۷۲۶ هجری قمری در شیراز متولد شد. علوم و فنون را در محفل درس استادان زمان فراگرفت و در علوم ادبی عصر پایه‌ای رفیع یافت. خاصه در علوم فقهی و الهی غور و تأمل بسیار کرد و قرآن را با چهارده روایت مختلف از بر داشت. “گوته” دانشمند بزرگ و شاعر و سخنور مشهور آلمانی دیوان شرقی خود را به نام او و با کسب الهام از افکار وی تدوین کرد. دیوان اشعار او شامل غزلیات، چند قصیده، چند مثنوی، قطعات و رباعیات است. وی به سال ۷۹۲ هجری قمری در شیراز درگذشت. آرامگاه او در حافظیه ی شیراز زیارتگاه صاحب‌نظران و عاشقان شعر و ادب پارسی است.

خیام



حکیم ابوالفتح عمر بن ابراهیم الخیامی مشهور به “خیام” فیلسوف و ریاضیدان و منجم و شاعر ایرانی در سال ۴۳۹ هجری قمری در نیشابور زاده شد. وی در ترتیب رصد ملکشاهی و اصلاح تقویم جلالی همکاری داشت. وی اشعاری به زبان پارسی و تازی و کتاب‌هایی نیز به هر دو زبان دارد. از آثار او در ریاضی و جبر و مقابله رساله فی شرح ما اشکل من مصادرات کتاب اقلیدس، رساله فی الاحتیال لمعرفة مقداری الذهب و الفضة فی جسم مرکب منهما، و لوازم الامکنه را می‌توان نام برد. وی به سال ۵۲۶ هجری قمری درگذشت. رباعیات او شهرت جهانی دارد.

سعدی



مشرف الدین مصلح بن عبدالله شیرازی شاعر و نویسنده ی بزرگ قرن هفتم هجری قمری است. تخلص او "سعدی" است که از نام اتابک مظفرالدین سعد پسر ابوبکر پسر سعد پسر زنگی گرفته شده است. وی احتمالاً بین سال های ۶۰۰ تا ۶۱۵ هجری قمری زاده شده است. در جوانی به مدرسه ی نظامیه ی بغداد رفت و به تحصیل

ادب و تفسیر و فقه و کلام و حکمت پرداخت. سپس به شام و مراکش و حبشه و حجاز سفر کرد و پس از بازگشت به شیراز، به تألیف شاهکارهای خود دست یازید. وی در سال ۶۵۵ سعدی‌نامه یا بوستان را به نظم درآورد و در سال بعد (۶۵۶) گلستان را تألیف کرد. علاوه بر این ها قصاید، غزلیات، قطعات، ترجیع بند، رباعیات و مقالات و قصاید عربی نیز دارد که همه را در کلیات وی جمع کرده‌اند. وی بین سال های ۶۹۰ تا ۶۹۴ هجری در شیراز درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد.

فردوسی



حکیم ابولقاسم فردوسی ، حماسه سرا و شاعر بزرگ ایرانی در سال ۳۲۹ هجری قمری در روستایی در نزدیکی شهر طوس به دنیا آمد . طول عمر فردوسی را نزدیک به ۸۰ سال دانسته اند، که اکنون حدود هزار سال از تاریخ درگذشت وی می گذرد. فردوسی اوایل حیات را به کسب مقدمات علوم و ادب گذرانید و از همان

جوانی شور شاعری در سر داشت . و از همان زمان برای احیای مفاخر پهلوانان و پادشاهان بزرگ ایرانی بسیار کوشید و همین طبع و ذوق شاعری و شور و دل بستگی او بر زنده کردن مفاخر ملی، باعث بوجود آمدن شاهکاری بزرگ به نام "شاهنامه" شد . شاهنامه فردوسی که نزدیک به پنجاه هزار بیت دارد ، مجموعه ای از داستان های ملی و تاریخ باستانی پادشاهان قدیم ایران و پهلوانان بزرگ سرزمین ماست که کارهای پهلوانی آن ها را همراه با فتح و ظفر و مردانگی و شجاعت و دینداری توصیف می کند. شاهنامه شامل سه دوره است :

۱ - دوره اساطیری

این دوره از عهد کیومرث تا ظهور فریدون ادامه دارد. در این عهد از پادشاهانی مانند کیومرث، هوشنگ، تهمورث و جمشید سخن به میان می آید. تمدن ایرانی در این زمان تکوین می یابد. کشف آتش، جدا کرن آهن از سنگ و رشتن و بافتن و کشاورزی کردن و امثال آن در این دوره صورت می گیرد.

۲- دوره پهلوانی

دوره پهلوانی یا حماسی از پادشاهی فریدون شروع می شود. ایرج، منوچهر، نوذر، گرشاسب به ترتیب به پادشاهی می نشینند. جنگ های میان ایران و توران آغاز می شود. پادشاهی کیانی مانند: کيقباد، کیکاووس، کیخسرو و سپس لهراس و گشتاسب روی کار می آیند. در این عهد دلاورانی مانند: زال، رستم، گودرز، طوس، بیژن، سهراب و امثال آنان ظهور می کنند.

۳ - دوره تاریخی

این دوره با ظهور بهمن آغاز می شود و پس از بهمن، همای و سپس داراب و دارا پسر داراب به پادشاهی می رسند. در این زمان اسکندر مقدونی به ایران حمله می کند و دارا را که همان داریوش سوم است می کشد و به جای او بر تخت می نشیند. پس از اسکندر دوره پادشاهی اشکانیان در ایباتی چند بیان می گردد و سپس ساسانیان روی کار می آیند و آن گاه حمله عرب پیش می آید و با شکست ایرانیان شاهنامه به پایان می رسد.

مولوی



مولانا جلال‌الدین محمد بلخی مشهور به مولوی شاعر بزرگ قرن هفتم هجری قمری است. وی در سال ۶۰۴ هجری قمری در بلخ زاده شد. پدر وی بهاء‌الدین که از علما و صوفیان بزرگ زمان خود بود به سبب رنجشی که بین او و سلطان محمد خوارزمشاه پدید آمده بود از بلخ بیرون آمد و بعد از مدتی سیر و سیاحت به قونیه رفت.

مولانا بعد از فوت پدر تحت تعلیمات برهان‌الدین محقق ترمذی قرار گرفت. ملاقات وی با شمس تبریزی در

سال ۶۴۲ هجری قمری انقلابی در وی پدید آورد که موجب ترک مسند تدریس و فتوای وی شد و به مراقبت نفس و تذهیب باطن پرداخت. وی در سال ۶۷۲ هجری قمری در قونیه وفات یافت. از آثار او می‌توان به مثنوی، دیوان غزلیات یا کلیات شمس، رباعیات، مکتوبات، فیه مافیه و مجالس سبعة اشاره کرد.

نظامی



حکیم ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی ابن مؤید نظامی شاعر معروف ایرانی در قرن ششم هجری قمری است. وی بین سال‌های ۵۳۰ تا ۵۴۰ هجری قمری در شهر گنجه واقع در جمهوری آذربایجان کنونی متولد شد. وی از فنون حکمت و علوم عقلی و نقلی و طب و ریاضی و موسیقی بهره‌ای کامل داشته و از علمای فلسفه و حکمت به شمار می‌آمده است. مهمترین اثر وی "پنج گنج" یا "خمسه" است. دیوان اشعار او مشتمل بر قصاید، غزلیات، قطعات و رباعیات است. وی بین سال‌های ۵۹۹ تا ۶۰۲ هجری قمری وفات یافت.

سنایی



ابوالمجد مجدود بن آدم متخلص به سنایی شاعر و عارف بزرگ و نامدار نیمه‌ی دوم سده پنجم و نیمه‌ی اول سده‌ی ششم هجری است. وی در سال ۴۶۳ یا ۴۷۳ هجری قمری در غزنین دیده به جهان گشود. چنانچه از شعر سنایی برمی‌آید او به تمام دانش‌های زمان خود آگاهی و آشنایی و در برخی تبحر داشته است. وی در سال ۵۲۵ یا ۵۳۵ هجری قمری در سن ۶۲ سالگی درگذشت. از آثار وی غیر از دیوان قصیده و غزل و ترکیب و ترجیع و قطعه و رباعی، مثنوی‌های وی معروف و بدین قرارند: مثنوی‌های حدیقه‌ی الحقیقه، طریق‌التحقیق، کارنامه‌ی بلخ، سیر العباد الی المعاد، عشق‌نامه و عقل‌نامه. سه مکتوب و یک رساله‌ی نثر نیز به وی نسبت داده‌اند.

عطار نیشابوری



فریدالدین ابو حامد محمد بن ابوبکر ابراهیم بن اسحاق عطار نیشابوری، یکی از شعرا و عارفان نام آور ایران در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری قمری متولد شده است. او به شغل عطاری و طبابت مشغول بوده تا زمانی که آن انقلاب روحی در وی به وجود آمد و در این مورد داستان های مختلفی بیان شده که معروفترین آن این است که: "روزی عطار در دکان خود مشغول به معامله بود که درویشی به آنجا رسید و چند بار با گفتن جمله چیزی برای خدا بدهید از عطار کمک خواست ولی او به درویش چیزی نداد. درویش به او گفت: ای خواجه تو چگونه می خواهی از دنیا بروی؟ عطار گفت: همانگونه که تو از دنیا می روی. درویش گفت: تو مانند من می توانی بمیری؟ عطار گفت: بله، درویش کاسه چوبی خود را زیر سر نهاد و با گفتن کلمه الله از دنیا برفت. عطار چون این را دید شدیداً متغیر شد و از دکان خارج شد و راه زندگی خود را برای همیشه تغییر داد."

آثار منظوم او عبارت است از: ۱- دیوان اشعار که شامل غزلیات و قصاید و رباعیات است. ۲- مثنویات او عبارت است از: الهی نامه، اسرار نامه، مصیبت نامه، وصلت نامه، بلبل نامه، بی سر نامه، منطق الطیر، جواهر الذات، حیدرنامه، مختار نامه، خسرو نامه، اشتر نامه و مظهر العجایب. مهمترین اثر مثنوی تذکره الاولیا.

رودکی



ابوعبدالله جعفرابن محمد رودکی در تاریخ ادب به عنوان پدر شعرفارسی شهرت دارد. وی در قرن سوم هجری قمری / نیمه دوم قرن نهم میلادی در روستای پنج رودک، دوفرسنگی سمرقند، زاده شد و در همان روستای زادگاه خویش از جهان رفت. وی از نوجوانی، قرآن را از بر داشت و با صدایی دلکش می خواند و از استادی بنام ابولعبک بختیار، درس نواختن بربط می گرفت. به زودی شهرت خنیاگری و آواز خوش او با شعرهایی که خود می سرود، به همه جا رسید و امیر خراسان، نصر بن احمد سامانی، را واداشت تا او را به دربار خویش بخواند. رودکی در دربار سامانیان که مردمان آزاد اندیش و هنرپرور

بودند، از مکنت و تجمل بسیار برخوردار شد. نوشته اند هنگامی که رودکی همراه نصرین احمد از هرات به بخارا می رفت چهارصد شتر زیربینه او بود. وی مردانی بزرگ چون امیر نصر سامانی، ماکان کاکای از سرداران و امیران بزرگ دیلمی و ابوالفضل بلعمی وزیر دانشمند دربار سامانی را، که جایزه های کلان به او می دادند، در اشعار بسیار زیبا و استادانه خویش ستوده است. با این همه، رودکی شاعری ستایشگر نبود. شعرش روان، ساده، دل انگیز و سرشار از شوق و ستایش لذات و شادی های زندگی است.

مهمترین اثر او کلیله و دمنه منظوم است. غیر از این منظومه، رودکی چند منظومه دیگر با وزن مختلف داشت که گویا هر یک داستانی بود و از آنها نیز ابیاتی پراکنده داریم و اما از قصاید و غزل های او اکنون اندکی در دست است تا مگر روزی دست حوادث دیوان گمشده او را به ما بازگرداند.

جامی



نورالدین عبدالرحمن ابن نظام الدین احمد ابن محمد متخلص به جامی در سال ۸۱۷ هجری قمری در خرجرد جام از توابع خراسان متولد شد. وی بعدها همراه پدرش به سمرقند و هرات رفت و در آن دیار به کسب علم و ادب پرداخت. سپس به سیر و سلوک مشغول و از بزرگان طریقت شد. او نزد سلطان حسین میرزا بایقرا و وزیر فاضل او امیر علیشیر نوایی تقریبی خاص داشت. او در محرم ۸۹۸ هجری قمری وفات کرد و در هرات با احترام فراوان به خاک سپرده شد. از جامی بیش از چهل اثر و تألیف سودمند و گرانبها به جای مانده است. معروفترین آثار او عبارت از هفت مثنوی به نام "هفت اورنگ" است.

ملک الشعرای بهار



محمد تقی بهار ملقب به ملک الشعرای بهار شاعر، ادیب، سیاستمدار و روزنامه‌نگار ایرانی است. وی در سال ۱۲۶۳ هجری شمسی در مشهد متولد شد. مقدمات و ادبیات فارسی را نزد پدر خود ملک الشعرای صبوری آموخت و برای تکمیل معلومات عربی و فارسی به محضر "ادیب نیشابوری" رفت. بعد از فوت پدر،

ملک الشعراى دربار مظفرالدین شاه شد. وی شش دوره نماینده ی مجلس شد و سال ها استاد دورهی دکتری ادبیات دانشسرای عالی و دانشکده ی ادبیات بود. به علت پیوستن به مشروطه‌طلبان و آزادی‌خواهان چند بار تبعید و زندانی شد که سال های زندان و تبعید از پربره‌ترین سال های زندگی ادبی وی بوده است. بهار در روز دوم اردیبهشت ۱۳۳۰ هجری شمسی، در خانه ی مسکونی خود در تهران زندگی را بدرود گفت و در شمیران در آرامگاه ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. از معروفترین آثار وی دیوان اشعار، سبک شناسی که در سه جلد در باره ی سبک نوشته‌های منثور فارسی نوشته شده، تاریخ احزاب سیاسی، تصحیح برخی از متون کهن مانند تاریخ سیستان و مجمل‌التواریخ و القصص، تاریخ بلعمی را می‌توان نام برد.

سهراب سپهری



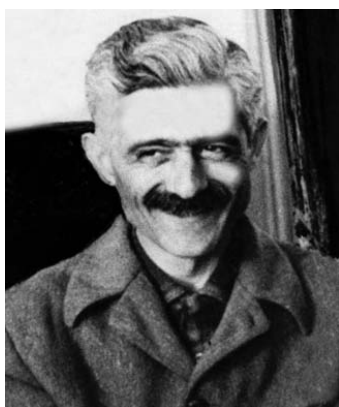
سهراب در روزی آفتابی و پاییزی ۱۵ مهر ماه سال ۱۳۰۷ حوالی ظهر دیده به جهان گشود کودکی را در کاشان در باغ اجدادی که بسیار بزرگ و پر از درختان میوه و گل و سبزه بود و در محله دروازه عطا قرار داشت گذراند. سهراب از سال چهارم دبیرستان به دانش سرا رفت و در آذر ماه ۱۳۲۵ یعنی اندکی بیش از یک سال بعد از به پایان رساندن دوره دو ساله دانش سرای مقدماتی به استخدام اداره فرهنگ کاشان (اداره آموزش و پرورش) در آمد و تا شهریور ۱۳۲۷ در این

اداره ماند. در این هنگام در امتحانات ادبیات شرکت کرد و دیپلم کامل دوره دبیرستان را نیز گرفت. سال بعد او به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت. وقتی که در این دانشکده بود، نخستین دفتر شعرهایش را چاپ کرد. اولین کتاب سپهری با نام "مرگ رنگ" در تهران منتشر شد که به سبک نیما یوشیج بود. سپهری دومین مجموعه شعر خود را با نام "زندگی خواب‌ها" در سال ۱۳۳۲ سرود و در همین سال بود که دوره لیسانس نقاشی را در دانشکده هنرهای زیبا با رتبه اول و دریافت نشان اول علمی به پایان رساند. از سال ۱۳۳۲ به بعد، زندگی سپهری در گشت و گذار و مطالعه نقاشی و حکاکی در پاریس، رم و هند و شرکت در نمایشگاه‌ها و آموختن و تدریس نقاشی گذشت، تا جایی که بعضی او را "شاعری نقاش" خوانده‌اند و بعضی دیگر

"نقاشی شاعر". سهراب در سال ۱۳۳۷ دو کتاب "آوار آفتاب" و "شرق انده" را آماده چاپ کرد ولی موفق به چاپ آن‌ها نشد و سرانجام در سال ۱۳۴۰ این دو کتاب به انضمام "زندگی خواب‌ها" زیر عنوان "آوار کتاب" منتشر شد. شهرت سپهری از سال ۱۳۴۴ و با انتشار شعر بلند "صدای پای آب" آغاز شد. سپهری در سال ۱۳۵۵ تمام هشت دفتر و منظومه خود را در "هشت کتاب" گرد آورد. "هشت کتاب" نموداری تمام از سیر معنوی شاعر جویای حقیقت است، "هشت کتاب" یکی از اثر گذارترین و محبوب‌ترین مجموعه‌ها، در تاریخ شعر نو ایران است. سپهری اول اردیبهشت ماه ۱۳۵۹، بر اثر بیماری سرطان خون به ابدیت پیوست، و در مشهد اردهال بین کاشان و دلیجان به خاک سپرده شد. برسنگ مزارش این شعر نوشته شده است:

به سراغ من اگر می‌آیید/ نرم و آهسته بیاید / مبادا که ترک بردارد / چینی نازک تنهایی من.

جلال آل احمد



جلال در سال ۱۳۰۲ در شهر تهران در خانواده‌ای روحانی و اصالتاً اهل طالقان به دنیا آمد. وی در سال ۱۳۲۲ وارد دانشسرای عالی شد و در سال ۱۳۲۵ در رشته ادبیات فارغ‌التحصیل شد. جلال در سال ۱۳۲۴ با چاپ داستان "زیارت" در مجله سخن به دنیای نویسندگی قدم گذاشت و در همان سال مجموعه داستانی به نام "دید و بازدید" را منتشر کرد. و در سال ۱۳۲۹ با سیمین دانشور ازدواج کرد. آل احمد در سال ۱۳۳۰ پیش از آنکه از رساله دکترای خود با عنوان "قصه هزار و یک شب" دفاع کند، تحصیلات دانشگاهی خود را نیمه کاره رها کرد. در کتاب "خدمت و خیانت روشنفکران" جلال بی‌علاقگی خود را نسبت به دریافت درجه "دکتر" به کم سوادی برخی از استادان دانشگاه مربوط دانست. این نویسنده و مترجم در ۱۸ شهریور ۱۳۴۸ دارفانی را وداع گفت.

آثار دیگر وی: "از رنجی که می‌بریم" در سال ۱۳۲۶، "سه تار" در سال ۱۳۲۷، "زن زیادی" در سال ۱۳۳۱، "سرگذشت کندوها" در سال‌های ۳۱ - ۱۳۲۹، "مدیر مدرسه" ۱۳۳۷، "نون و قلم" ۱۳۴۰، "نفرین زمین

" ۱۳۶۶، " پنج داستان " ۱۳۵۰، " طوطی نامه " ۱۳۵۱، آخرین اثر داستانی آل احمد رمان کوتاه " سنگی بر گوری " است که موضوع آن فرزند نداشتن وی است. این داستان برای نخستین بار ۱۲ سال پس از مرگ وی در سال ۱۳۶۰ منتشر شد. **سفرنامه های جلال را می توان در این کتاب ها خلاصه کرد:** اورازان (۱۳۳۳)، تات نشین های بلوک زهرا (۱۳۳۷)، جزیره خارک در یتیم خلیج فارس (۱۳۳۹)، خسی در میقات (۱۳۴۵)، سفر به ولایت عزرائیل (۱۳۶۳)، سفر روس (۱۳۶۹) سفر آمریکا و سفر اروپا که هنوز منتشر نشده اند. **مقالات وی:** مقالات و کتاب های تحقیقی این نویسنده ایرانی از این قرار هستند: گزارش ها (۱۳۲۵)، حزب توده سر دو راه (۱۳۲۶)، هفت مقاله (۱۳۳۳)، سه مقاله دیگر (۱۳۴۱)، غرب زدگی (۱۳۴۱)، کارنامه سه ساله (۱۳۴۱)، ارزیابی شتابزده (۱۳۴۲)، گفتگوها (۱۳۴۶)، یک چاه و دو چاله (۱۳۵۶) و در خدمت و خیانت روشنفکران (۱۳۵۶). **ترجمه های وی:** آل احمد آثار مهمی را از آلبرکامو، آندره ژید، ژان پل سارتر و داستایوفسکی ترجمه کرده است.

پروین اعتصامی



رخشنده ی اعتصامی معروف به پروین اعتصامی در ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ خورشیدی در شهر تبریز به دنیا آمد. پدرش یوسف اعتصامی آشتیانی (اعتصام الملک) از رجال نامی و نویسندگان و مترجمان مشهور اواخر دوره ی قاجار بود. در کودکی با خانواده به تهران آمد. پایان نامه ی تحصیلی خود را از مدرسه ی آمریکایی تهران گرفت و در همانجا شروع به تدریس کرد. پیوند زناشویی وی با پسر عمویش بیش از دو و نیم ماه دوام نداشت. وی پس از جدایی از همسر، مدتی کتابدار کتابخانه ی دانشسرای عالی بود. دیوان اشعار وی بالغ بر ۲۵۰۰ بیت است. وی در فروردین ۱۳۲۰ شمسی به علت ابتلا به حصبه درگذشت و در قم به خاک سپرده شد.

شهریار



سیدمحمدحسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار، شاعر پارسی‌گوی آذری‌زبان، در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در روستای خشک‌ناب در بخش قره‌چمن آذربایجان متولد شد. او تحصیلات خود را در مدرسه‌ی متحده و فیوضات و متوسطه‌ی تبریز و دارالفنون تهران گذراند و وارد دانشکده‌ی طب شد. سرگذشت عشق

آتشین و ناکام او که به ترک تحصیل وی از رشته‌ی پزشکی در سال آخر منجر شد، مسیر زندگی او را عوض کرد و تحولات درونی او را به اوج معنوی ویژه‌ای کشانید و به اشعارش شور و حالی دیگر بخشید. وی سرانجام پس از هشتاد و سه سال زندگی شاعرانه‌ی پربار در ۲۷ شهریور ماه ۱۳۶۷ هجری شمسی درگذشت و بنا به وصیت خود در مقبره‌ی الشعراى تبریز به خاک سپرده شد.